

بیانیه مشترک کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید) در رابطه با نمایش «انتخابات» ریاست جمهوری در ایران

روشنفکران و مردم آزاده!

در ایران:

- نویسندگان، روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان و هنرمندان از حق آزادی بیان و قلم و اندیشه و تشکل برخوردار نیستند.

- فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی ممنوع است و فعالین آن تحت تعقیب، زندان، شکنجه و اعدام قرار می‌گیرند.

- اقلیت مختلف مردم، حق تشکیل کانون‌ها، نهادها، انجمن‌ها، سندیکاها و شوراهای دموکراتیک مردمی خود را ندارند.

- حق فعالیت آزادانه به رسانه‌ها مستقل داده نمی‌شود و حتا رسانه‌های عمومی منتقد هم به طور گروهی تعطیل و نویسندگان و روزنامه‌نگاران آن‌ها تحت پیگرد پلیسی قرار گرفته و از کار اخراج می‌گردند.

- هرگونه اعتراض و اعتصاب ممنوع است و نیروهای انتظامی - امنیتی به دستور سران حکومتی، بی‌رحمانه به تجمعات بر حق زنان، کارگران، دانشجویان و مردم معترض یورش می‌برند و با ضرب و شتم غیرانسانی آن‌ها را متفرق و یا دستگیر و زندانی می‌کنند.

- کانون نویسندگان حق فعالیت آزادانه ندارد و حتا از برگزاری مجامع عمومی آن نیز جلوگیری می‌کنند و هر جایی هم هیئت دبیران جمع شوند با یورش مامورین امنیتی مواجه می‌گردند.

- جواز انتشار به بسیاری از کتاب‌ها داده نمی‌شود و یا اگر هم داده شود سال‌ها طول می‌کشد. تازه پس از چاپ و انتشار کتاب‌های دارای مجوز رسمی، باز هم هیچ تضمینی وجود ندارد که آن‌ها را جمع‌آوری و خمیر نکنند. بسیاری از تولیدات سینمایی و هنری به بایگانی سانسور سپرده می‌شوند.

- روزی نیست که حکم اعدام اجرا نشود و حتا حکومت اسلامی، اولین حکومت در جهان است که برای کودکان نیز حکم اعدام صادر می‌کند. برخی مواقع قربانیان را در میادین شهرها ساعت‌ها روی جرثقیل‌ها نگه می‌دارند تا رعب و وحشت در میان مردم بیافرینند.

- قوانین اسلامی وحشیانه به نام «قصاص» وجود دارد که چشم را در مقابل چشم در می‌آورند و دست و پای دزدان درمانده را می‌برند.

- قانون سنگسار وجود دارد که عمدتا زن و در مواقع بسیار نادر و استثنایی مرد را نخست تا سینه در خاک دفن می‌کنند و سپس با کوبیدن سنگ‌های ریز به سر و کله قربانی، به شکل زجرکش او را از پا در می‌آورند.

- در قوانین ایران، آزادی کاندیدا شدن برای زنان وجود ندارد. یعنی نصف جامعه «زنان» از حق کاندیداتوری محرومند. کاندیداها را نخست شورای نگهبان از غربال خود می‌گذراند و نهایت نظر «رهبر» شرط اصلی باقی ماندن کاندیداها در لیست است و سپس از میان صدها کاندیدا چند نفری از عوامل شناخته شده «سیاسی - نظامی» حکومت را در لیست باقی می‌گذارند و از مردم می‌خواهند به منتخبین شورای نگهبان و رهبر رای دهند. روشن است که این انتخابات نیست، بلکه انتصابات و جا به جایی مهرهای حکومتی از بالاست و از حضور مردم بر سر صندوق‌های رای به عنوان سیاهی لشکر برای انحراف افکار عمومی، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. به گفته علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی، هر رای که به صندوق‌ها ریخته شود، رای به کلیت نظام است. یعنی رای به ادامه سانسور و اختناق، ترور و وحشت، سرکوب و کشتار، شکنجه و اعدام و جهل و خرافات حکومت اسلامی.

- وجود و ماهیت ولایت فقیه و قدرت مطلقه رهبر مذهبی، قوانین غیرانسانی حاکم بر جامعه و سانسور و سرکوب مداوم خواست‌های عادلانه و بر حق مردم، کمترین جایی برای انتخابات و آزادی کاندید شدن و رای دادن باقی نگذاشته است. مردم تحت ستم ایران، از وعده و وعیدهای توخالی سی ساله جناح‌های داخل حکومتی که هر چهار سال یک بار برای تقسیم مجدد قدرت و حاکمیت با همدیگر رقابت و کشمکش دارند، اما به محض این که از سوی قدرت مردم احساس خطر می‌کنند، برای سرکوب وحشیانه اعتراضات مردم متحد می‌شوند. مردم ما، از این وضعیت خسته شده‌اند. آن‌ها آزادی و رفاه و زندگی درخور انسان می‌خواهند که حکومت اسلامی آن‌ها را از مردم سلب کرده است.

در چنین شرایطی، کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید) که از گوهر آزادی بی حد و حصر بیان و قلم و اندیشه و تشکل دفاع می‌کنند و همواره پشتیبان مبارزات بر حق و عادلانه جنبش‌های اجتماعی آزادی‌خواه هستند؛ در حال حاضر بحث شرکت در «انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸» را بزرگ‌ترین و تلخ‌ترین طنز تاریخ می‌دانند. سران حکومت اسلامی شعور و آگاهی اجتماعی جامعه ما را دست کم می‌گیرند. در حالی که مردم جامعه ما، شایسته تحمل چنین شرایط سیاهی نیستند. برای تغییر شرایط ناگوار موجود حاکم بر جامعه‌مان، عملاً باید علیه کلیت حکومت اسلامی بود تا به روشنایی و دنیای بهتر دست یافت، نه با شرکت در نمایش انتصابات برای بقای آن کمک کرد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

و انجمن قلم ایران (در تبعید)

۳۰ می ۲۰۰۹